



سعید زاهدیان روزنامه‌نگار

بهترین حرف‌ها درباره محمد بنا را ابراهیم مهربان دبیر فدراسیون زد؛ حرف‌های او جامع و کامل و هرآنچه لازم بود، در این گفت‌وگوی کوتاه بیان شد. مهربان در واکنش به استعفای بنا گفت: «این خبر از سوی فدراسیون کشتی تأیید نمی‌شود. آقای بنا باید بیاید و مدتی کنار خانواده استراحت کند. بعد از مسابقات آقای دبیر و سوریان تشریف بیاورند و جلسه بگذاریم و صحبت کنیم تا یکسری مسائل مورد

تویی که نمی‌شناختم

میعاد نیک

روزنامه‌نگار

نه؛ تو دیگر هیچ شباهتی به آن آقای همیشه خاص کشتی فرنگی ایران نداری. از آن شیر درنده‌خو و بی‌رحم مقابل روس‌ها، آذری‌ها، ارمنی‌ها و صرب‌ها، حالا فقط شیریی بی‌بال و کوبال مانده که

بدن‌های خسته

یونس علیزاده

روزنامه‌نگار

کارشناسان قدیمی، پیشکسوتان و سینه‌سوخته‌های ورزش می‌گویند بدن ورزشکاران ایرانی سبک است. آنها اعتقاد دارند فقط به کسی باید گفت «ورزشکار» که سالم زندگی کند، روغن حیوانی روی خوراک بریزد، لبنیات و پروتئین در وعده غذایی داشته باشد و دور داستان‌های حاشیه‌ساز را خط قرمز بکشد. به درست یا غلط بودن این حرف‌ها کاری نداریم؛ موضوع انتقاد قدیمی‌ها از شکل بدنی جدیدی‌هاست. در همین چند روز که از ناکامی در کشتی فرنگی می‌گذرد، چقدر مطلب خواندید، نقد شنیدید و نقل قول دیدید که گفتند این تیم، مشکل بدنی داشته؟ انگار بدن کشتی‌گیران خسته و سنگین بود. فرنگی‌کاران، واقعاً کارشان سخت است. تنوع زیادی ندارند و زیرگیری تعطیل است، فقط باید از تکنیک و زور استفاده کنند و اگر کمی خسته باشند، معادله مدال، اشتباه از کار در می‌آید. بدن‌های خسته، بلایی بود که سر کشتی ایران آمد و نام و آوازه محمد بنا هم نتوانست مانع آن آبروریزی شود. آن همه ستاره داشتیم که امیدوار بودیم با مدال شان، جشن ملی اتفاق بیفتد. می‌خواستیم با طلای آنها برای تمام جهان، کری بخوانیم اما خستگی بدنی، طوری نقره‌داغ مان کرد که هر وقت از مسابقات جهانی بلغراد صحبت کنیم، خاطرات بد کشتی فرنگی از سرمان می‌گذرد.

شکستن دیر هنگام سکوت فدراسیون درباره بنا طلا شفا داد

محسن وظیفه

روزنامه‌نگار ورزشی

تیم ملی کشتی فرنگی در جهانی بلغراد در قیاس با نتایج قبلی محمد بنا در این تیم نتیجه خوبی نبود. اگر چه همین دو نقره و یک برنز به جز دو دوره جهانی ۲۰۱۴ و ۲۰۲۱، بهترین عملکرد در یک دهه اخیر است اما با این‌حال همه توقع داشتند که نتایج نرؤز در جهانی بلغراد هم تکرار شود. کاری که شاید اگر برخی از اتفاقات نبود خیلی هم تکرار آن دور از انتظار نبود اما در این بین رفتار عجیب مسئولان فدراسیون کشتی به سوزه این روزها تبدیل شده است.

به بهانه خداحافظی‌های گاه و بی‌گاه سرمربی فرنگی این بنا را تحمل می‌کنند؟

بررسی قرار بگیرد اما...»
مهمترین بخش صحبت‌های مهربان از اینجا به بعد بود؛ جایی که به همه ما یادآوری کرد ناسپاس نباشیم و گذشته‌را فراموش نکنیم: «مهمتر از هر چیز شان آقای بنا است که باید رعایت شود. آقای بنا مربی بسیار بزرگی‌است. یادمان نرود آقای بنا کسی است که کشتی فرنگی را در ایران متحول کرد. یادمان نرود که بنا همان کسی است که لقب مربی قرن را گرفت. محمد بنا کسی است که با نتایج کشتی در المپیک دل یک ملت را شاد کرد. پس اگر انتقادی صورت می‌گیرد، نباید از دایره انصاف خارج باشد.»
محمد بنا بیش از تمام اینهایی که دبیر فدراسیون گفته، بوده و هست؛ موفقیت او و صلاحیتش برای هدایت تیم ملی کشتی فرنگی بر کسی پوشیده

نزدیک به ۱۰ روز است که مسابقات کشتی قهرمانی جهان برگزار می‌شود و اتفاقات عجیب و غریب زیادی رخ داده اما در این بین رئیس و نایب رئیس فدراسیون کشتی سکوت را در پیش گرفته بودند.

حداقل توقع این بود که بعد از پایان مسابقات کشتی فرنگی و هجوم همه جانبه به محمد بنا از سوی مخالفانش، فدراسیون کشتی به عنوان کارفرما وارد کار شود و بگوید که برنامه‌ریزی کشتی فرنگی برای المپیک پاریس است و در المپیک طلا می‌خواهند نه این‌که با سکوت خود فضا را برای جولان مخالفان محمد بنا باز بگذارند. این‌که فدراسیون کشتی در زمان موفقیت از

مربی خود حمایت کند هنر نیست، وقتی یک مربی ۴ طلا و ۲ برنز بگیرد همه می‌دانند که او مربی بزرگی است و عملکردش فوق‌العاده است اما مهم حمایت فدراسیون از مربی خود در روزهایی است که تیم به هر دلیلی نتواند نتیجه بگیرد. سال ۲۰۱۰ محمد بنا سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی بود که تیم را برای قهرمانی آسیا در هند انتخاب کرد. تیم محمد بنا با وجود دو طلای برادران قربانی در نهایت در رده‌بندی تیمی چهارم شد اما وقتی تیم به ایران برگشت مرحوم یزدانی خرم در جمع خبرنگاران در حمایت از محمد بنا گفت تیم را به او ندادم که قهرمان

به بهانه خداحافظی‌های گاه و بی‌گاه سرمربی فرنگی

محمد بنا

این بنا را تحمل می‌کنند؟

حالا با نتایجی که تیم فرنگی در مسابقات جهانی گرفته، بازهم شاهد خداحافظی او از شاگردانش بودیم و دوباره باید فدراسیون کشتی تلاش کند تا این مربی برای بازگشت به کار متقاعد شود. شاید این رویه بیش از یک دهه ادامه‌دار است و پرسش از محمد بنا این است که آیا خودش چنین روایی را می‌پسندد؟ اگر حمید سوریان- بهترین و بزرگترین شاگردش که در فرنگی یک نایجه محسوب می‌شد- مدام بهانه می‌گرفت و خداحافظی می‌کرد، او را کنار می‌گذاشت یا ناز او را می‌کشید؟ آیا بنا این مدل رفتارها در تیم خودش هم حق داد که سرانجام از این رفتارهای بن‌خاسته شود؛ حال رئیس فدراسیون خادم باشد یا دبیر و هرمدیر دیگری.

مدال جهانی ندیده‌ای، کسی که حالا قهرمان جهان شده و تو شرط کرده بودی استعفا بدهی. چه قمار بدی کردی آقای مربی. دوره‌ات شاید هنوز نه ولی استراتژی مربیگری‌ات دیگر تمام و قدیمی شده سرمربی. سلطه‌ات بر کشتی فرنگی جهان دیگر پایان یافته و از تاج و تخت به زیر افتاده‌ای. انتقادها علیه تو زیاد شده آقای

استخوان‌هایت با خاک شدن گرایي‌ها و نجاتی و دادمرز و محسن‌نژاد و مختاری به یک‌باره خرد شده اما تو امسال یک بحران دیگر هم داشتی؛ بحرانی به اسم علی ارسلان که خودت برای خودت ساخت‌هی، همه‌جا ژر شده‌از مصاحبه‌ات علیه ارسلان، علیه کسی که مدال او را بی‌ارزش خوانده‌ای، کسی که او را در حد

بلغراد نفرین شده

ستاره‌های کشتی فرنگی یکی پس از دیگری به خاک افتادند تا در حسرت طلا باقی بمانیم.

۲ نقره و یک برنز بدرنگ، تنها دستاورد تیم ایران از صربستان بود تا یکی از بدترین نتایج تاریخ را کسب کنیم. تیمی که در تاریخ نزدیک و پس از رنسانس کشتی فرنگی، در میادین جهانی حداقل یک طلا را دشت کرده بود، اما در بلغراد نفرین‌شده با همه ستاره‌های ریز و درشت از چنگ زدن به یک طلا هم محروم ماند. در این ناکامی بی‌سابقه، دلایل

متعددی را می‌توان ردیف کرد و برشمرد، اما بی‌تردید مشکلات فنی در سرلیست قرار می‌گیرد. ضعف کوچینگ و پیوست‌های آن، از آنالیز تا بدنسازی، تمرین‌زدگی و... از مجموعه دلایلی هستند که هر کدام در ناکامی فرنگی‌کاران نقش ویژه‌ای دارند و این یکجک تأثیرگذار ناکامی، جملگی به کادر فنی بازمی‌گردد. کادری که ژنرال آن محمد بناست. ژنرالی که قطعاً معمار نوین کشتی فرنگی ایران بوده اما حالا با این ناکامی، شمشیر انتقادات برای او

آخته شده‌اند. بنا در پایان مسابقات به شکل تلویحی از خداحافظی گفت. آنچه قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسید. ناکامی تیم ملی کشتی فرنگی همه را سرخورده کرده اما فراموش کردن آنچه بنا ساخته، یک بی‌معرفتی محض است. حتی اگر این بنا اشکالاتی داشته و از چشم افتاده باشد، باز هم نقش معمار آن را نباید نادیده گرفت. همان‌طور که اشکالات را باید دید و برطرف کرد. اگر اتفاق خاصی رخ ندهد می‌توان

به بدترین شکل ممکن واگذار کرد. اگر شرایطی برای مسابقات انتخابی بود شاید حالا مدال طلایی که علی ارسلان برای صربستان گرفت، در جدول به‌نام ایران ثبت شده بود و خیلی از شایدهایی که ممکن بود به حقیقت بپیوندد. حرف زیادی نیست، این کشتی‌نیز به بنای جدیدی دارد.

تسمه نقره‌ای

محسن ذاکری

روزنامه‌نگار

پیش از آغاز رقابت‌های جهانی، او پرامیدترین ستاره ما بود. ستاره یخی که وجودش طلاست. ستاره‌ای که برایش یک طلای خوشرنگ کنار گذاشته بودیم اما در خزان غم‌انگیز بلغراد، او هم اسیر نحسی اشتراک آن‌ا نفرین زده شد. ستاره‌ای که طلا در مشتش بود اما آن را زمین انداخت تا حریف مکار صربستانی آن را بقاپد و حسرت طلای سوم متوالی بر دل ما بماند. محمد رضا گرایي با یک بدن تسمه‌ای همه حریفان را به بند می‌کشد، اما نحسی بلغراد او را هم به‌بند کشید تا به طلا نرسد. بلغراد نفرین شده، برای قهرمان آرام ما هم نحس بود.

او همچون صاعقه که البته تنها می‌زند، صاعقه‌ای که البته تنها برق دارد و ردعی در کار نیست. به بلغراد هم او همانی بود که می‌شناختیم؛ ستاره یخی که سرد و بی‌تفاوت به سومین مدال متوالی‌اش چنگ زد. مدالی که این بار برخلاف همیشه رنگش نقره‌ای بود تا در حسرت طلا بمانیم.

برای کشتی ایران، او حالا یک نعمت است؛ یک قهرمان بی‌بدیل و بزرگ از جنس طلا. مردی که حالا می‌توان او را همزاد فرنگی‌کار حسن یزدانی دانست.

اگر کارمان قاسمیور در کشتی آزاد مثل یک پلنگ روی تشک می‌غرد و حریفان را شکار می‌کند و طلا به سینه می‌زند، در کشتی فرنگی این محمدرضಾಗرایي است که همچون یک شیر خونسرد حریفان را می‌درد و طلا و نقره به دندان می‌کشد؛ ستاره‌ای که البته در رفتار و رفتار همانند یزدانی متواضع است و همین ویژگی او را ویژه‌تر و دوست‌داشتنی‌تر کرده. محمدرضاکرایي در نگاه اول شاید هیچ نشانی از یک قهرمان بی‌بدیل و بزرگ نداشته باشد؛ نه قد و قامت بلند بالا، نه سینه ستبر، نه عضلات درهم تنیده و نه روحیه تهاجمی و غرور و تکبر. سادگی ویژگی اصلی اوست؛ ساده اما صمیمی. ستاره‌ای که خونسردی در وجودش نهادینه شده. یک ستاره یخی. آرام و بی‌هياهو.

این همان ویژگی بزرگی است که محمدرضاکرایي را از بقیه رقبا متمایز کرده و کلید موفقیت اوست. ستاره‌ای که همچون یک کوه یخ روی تشک خونسرد و آرام است و حریفان را در اوج آرامش و خونسردی چپ و راست می‌کند. گویی روی تشک در حال جابه‌جا کردن یک کیسه گونی برنج است! انگار که نه انگار اتفاقی رخ داده! گرایي با این روحیه عجیب و این کیفیت بالا می‌تواند تا سال‌های سال مدال از میادین جهانی و المپیک خوشه‌چین کند.

مردی که نه حرف دارد و نه حریف. کسی چه می‌داند؛ شاید او همان ستاره‌ای باشد که قرار است رکورد افسانه‌ای حمید سوریان را بشکند. رویایی که سخت به تحقق آن دل بسته‌ایم. حتی اگر این بار صید او نقره‌ای باشد.

